

# آرشیو

دوره - بیست و هفتم  
شماره - ۳

شماره - سوم  
خرداد ماه ۱۳۳۷

تأسیس بهمن ماه - ۱۳۹۸ شمسی  
( مؤسس : مرحوم وحید دستگردی )  
( صاحب امتیاز و نگارنده : وحید زاده - نسیم دستگردی )

بقلم : آقای عبدالوهاب قائم مقامی

## توضیحی چند در باره برخی کلمات و اسامی در اشعار اساتید باستان

بعضی کلمات یا اسامی و یا الفاظ و لغات در بعضی از اشعار شعرای متقدمین از قبیل عنصری و منوچهری و غیره دیده میشود که در اول نظر خواننده به تصور غلط یا سهو کاتب و نویسنده و مصحح منوط مینماید - ولی پس از دقت و ملاحظه و مذاقه بیشتری معلوم میشود که این اسم یا لغت مربوط بجمله تاریخی یا علمی است که فعلاً بواسطه مرور زمان از بین رفته و از خاطرها محو گردیده است .

اینک برای روشن شدن اذهان خوانندگان محترم این گرامی مجله شریفه بدرج بعضی از آنها که این بنده تحقیق و تدقیق نموده میپردازد امید است که خوانندگان محترم اگر سهو یا اشتباهی در آن دیدند بلطف عمیم خواهند بخشود .  
منوچهری درسمطی سروده است :

نوروز بزرگم بزن ای مطرب امروز      زیرا که بود نوبت نوروز بنوروز  
برخوان غزل نغز دل انگیز دل افروز      گر نیست ترا بشنو از مرغ نوآموز

کین فاخته زین کوز و دگر فاخته زان کوز

بر قافیه خوب همی خواند اشعار

و نیز در مسمط دیگر گفته است

بلبل ز شاخ سرو بر آرد همی صغیر      ماغان بابر نعره بر آرند از آ بگیر  
قمری همی سراید اشعار چون جریر      صلصل همی نواز دگه گاه بم و زیر

تا مطربان زنند نوا تخت اردشیر

که مهرگان خوردک گاهی سپهبدان

و نیز در قصیده گوید

رسم بهمن گیر و از نو تازه کن بهمنجنه      ایدرخت مملکت را عزّ بیداری تنه  
اورمزد و بهمن و بهمنجنه فرخ بوداد      فرخت باد او رمزد و بهمن و بهمنجنه  
عنصری گوید

سده جشن ملوک نامدار است      ز افرویدن و ز جرم یادگار است  
و نیز بسیاری از این قبیل اسامی و لغات که فوقاً ذکر شد در اشعار سایر شعرا دیده  
میشود که برای مثال در موقع خود ذکر خواهد شد.

نوروز بزرگ - تخت اردشیر - مهرگان خوردک - سپهبدان - اورمزد -

بهمن - بهمنجنه - سده

این اسامی و لغاتیکه در بالا ذکر شد هر کدام دارای معنی و وجه تسمیه  
میباشند که بشرح هر یک میپردازد.

مثلاً منوچهری در بند اول مسمط که ذکر شد (نوروز بزرگ) را نام برده  
که مقصود وی نام ترانه و آهنگ یا لحنی بوده است که فارسیان در روز نوروز در  
مجلس پادشاهان ساسانی مخصوصاً خسرو پرویز می نواخته اند.

و همچنین (مهرگان خوردک) یعنی کوچک نیز ترانه یا نوا و آوازی بوده که در روز مهرگان خوانده و زده میشده است.

و همچنین در تمام روزهای اعیاد و جشنها و دیگر روزها قبل از اسلام ترانه و آهنگی داشته که در آن روز مخصوص مینواختند.

و چون در ایران قبل از اسلام هفته بترتیبی که امروزه در تمام عالم معمول است متداول نبوده و سال را بدوازده ماه تقسیم و هر ماه را نیز بسی روز قسمت کرده و آن پنج روز اضافه را که مطابق قاعده نجومی زمین در مدت سیصد و شصت و پنج روز و نیم یک مرتبه بدور آفتاب میگردد که فصول اربعه چهار گانه ایجاد میشود و دوازده ضرب در سی سیصد و شصت روز میشود و آن پنج روز را کیسه یا خمسه مستتره یعنی پنج روز دزدیده شده باصطلاح منجمین گویند در آخر هر سال قرار داده و این سی روز ماه هر کدام اسم خاصی دارند که ذیلا درج میشود و همچنین آن خمسه مستتره هم هر روزش اسم مخصوصی دارد مثل ایام ماه بدین تفصیل

۱- اورمزد که یکی از اسماء خداوند است در فارسی و اول هر ماه است

چنانکه منوچهری گوید

بوستان باناحال و خیر بستان چیست بردر بستان شور و شغب مستان چیست

گل سر بستان بنموده و در این بستان چیست این نواها بگل از بابل بردستان چیست

در سر وستان بازست سر وستان چیست

اورمزد است خجسته سر سال و سر ماه

- |           |               |
|-----------|---------------|
| ۲- بهمن   | ۳- اردی بهشت  |
| ۴- شهریور | ۵- اسفند ارمز |
| ۶- خرداد  | ۷- مرداد      |
| ۸- دی باز | ۹- آذر        |
| ۱۰- آبان  | ۱۱- خور       |
| ۱۲- ماه   | ۱۳- تیر       |

۱۴- کوش- جوش	۱۵- دی به مهر
۱۶- مهر	۱۷- سرش
۱۸- رش	۱۹- فروردین
۲۰- بهرام	۲۱- ران - رام
۲۲- باد	۲۳- دی بادین
۲۴- دین	۲۵- ارد - آزار
۲۶- اشناد	۲۷- آسمان
۲۸- راهیاد	۲۹- یاراسفند
۳۰- انیران	

اسامی ماههای فارسی چون معمول و متداول است از ذکر آنها صرف نظر شد  
اسامی روزهای خمسه مسترقه

۱- اهنوذ	۲- شنود
۳- اسفندمذ	۴- وهشت
۵- هشتویش	

و چون اسم هر روز با نام هر ماه مطابق شود آنرا جشن گرفته و عید کنند و تعطیل عمومی میباشد هر کدام از این اعیاد و جشنها اسم و نام مخصوصی دارند .  
مثلا روز بهمن در ماه بهمن که واقع میشود که روز دوم هر ماه است آن روز را جشن گرفته و بهمنجنه گویند در این روز پادشاهان ساسانی جشن بزرگ گرفته و غذائی ترتیب میدادند که در آن گوشت تمام حیوانات چرنده و پرنده و انواع حبوبات و سبزیجات را ریخته و میپختند و آنرا دیک بهمنجنه میگفتند چنانکه منوچهری در قصیده متذکر گردیده است

بجوش اندرون دیک بهمنجنه      بگوش اندرون بهمن وقیصران

بهمن و قیصران نام دو ترانه یا سرود و یا نوا میباشد که در این روز زده و نواخته میشده است .

مرحوم ناصرالدین شاه هم در فصل پائیز که موقع رسیدن و فراوانی تمام میوجات بود این آش را ترتیب میداد و گوشت تمام حیوانات حلال گوشت چرنده و پرنده و تمام حبوبات و سبزیجات و میوه جات و سبزیها و اقسام ترشیاها را در آن داخل می نمود و بدین ترتیب آش میپخت و برای تمام شاهزادگان بزرگ و وزراء و رجال و بزرگان و علماء و تجار برسم عطیة ملوکانه فرستاده میشد و در ایران مثلی معروف شده بود که هر کار درهم و بدون ترتیب را مثل باآش شاه میزدند چنانکه در پیش گفته شد شعرا اشعاری در این موضوع سروده و شعر منوچهری ذکر شد و نیز سایر شعرا توصیف این عید و جشن را نموده چنانکه انوری ابیوردی در این قصیده بطور وضوح بیان کرده است :

حیذا بغت مساعد که سوی حضرت شاه  
مردمی کرد و درهم داد پس از چندین گاه  
اندر آمد ز در حجره من صبحدمی  
روز بهمنجنه یعنی دوم بهمن ماه  
سال بر پانصد و سی و سه ز تاریخ عرب  
گفت برخیز که از شهر بدر شد همراه  
و دیگر از اعیاد و جشنهای پارسیان جشن (تیرگان و آبریزان) است که در  
روز تیر که روز سیزدهم است در ماه تیر گیرند و آداب آن جشن چنانست که در  
این روز مردم بر یکدیگر آب ریزند و گلاب بهم افشانند  
مولا عبدالعلی بیرجندی در شرح بیست باب مولا مظفر کنابدی در شرح اعیاد  
پارسیان چنین مینویسد

تیرگان یا آب ریزان عید بیست که فارسیان در سیزدهم تیر گیرند و در این روز  
آب بهم ریزند چون در تابستان است  
نویسنده مقاله گوید این ترتیب و آداب و رسوم هنوز در بعضی دهات و قراء  
ایران برقرار است از جمله در خلیجستان قم که عبارتست از آشتیان - گرگان - تفرش  
در این روز جوانان بر یکدیگر آب ریزند و شادی کنند و آنرا آب پاشانک گویند  
میر عبداللطیف شوشتری جزایری در کتاب تحفة العالم که در شرح  
مسافرت خود به هندوستان و اوضاع آن مملکت نوشته اظهار داشته در سرکار

شاه عالم که از اولاد امیر تیمور گورکان در هندوستان سلطنت داشته دوازده هزار کلاب پاش طلا و نقره موجود است که در جشن آب ریزان بکار برده میشده است و نیز در شرح بیست باب نوشته است که نام دیگر این جشن (تیرکان) است و سبب نامیده شدن باین نام را چنین نوشته است که در این روز منوچهر پادشاه ایران با افراسیاب ترك صلح نموده و قرار شد که منوچهر مقدار يك تیر برتاب از ملك خویش بوی دهد بنابراین آرش نامی از سرداران منوچهر بر باره شهر ساری مازندران برآمده (نویسنده گوید) چون در آن تاریخ پای تخت ایران یعنی پایتخت فریدون شهر ساری بوده و فعلا در آنجا محلی است موسوم بسه گنبد که گویند قبور سرهای سه پسر فریدون است و بعضی نوشته اند (مشهدسر) که یکی از بنادر مازندران است محل قبور سرهای پسران فریدون است و آثار و خرابیهای زیادی در اطراف شهر ساری موجود است که حکایت از بزرگی و عظمت و قدمت آن شهر مینماید.

باری آرش بر باره شهر ساری برآمده و تیری بجانپ مشرق کشاد داد گویند آن تیر رفته در مرو یا در کنار جیحون بر زمین آمد و نیز گویند که آرش بقدری در کشیدن کمان قوت نموده که بعد از رها کردن تیر تمام رگهای بدنش از هم گسیخته و چندان خون آمد تا در گذشت و بدین واسطه او را کمانگیر نامیدند و این روز را تیرگان نام نهاده و جشن گیرند.

و شعرا در اشعار خود توصیف و حکایت تیر آرش را بسیار نموده اند از جمله ابوالفرج رونی گوید:

همه رستم کمان و آرش تیر  
همه آهو سوار و شیر شکار  
ملحقات شاهنامه

کمانی بیازوی و تیر آرش  
همی کرد بردشت کین سرکشی  
فخرالدین گرگانی در ویسه و رامین گفته است:

از آن خوانند آرش را کمانگیر  
تو اندازی بجان من ز کوراب  
که از ساری بمر و انداخت يك تیر  
همی هر ساعتی صد تیر بر تاب

ترا زبیدنه آرش را سواری که صد فرسنگ بگذشتی زساری تمام مورخین این قضیه را در تاریخ خود درج و ذکر کرده اند.

در کامل این اثر در جلد اول در شرح احوال منوچهر نوشته است .

در تاریخ طبری نیز متذکر این قضیه شده که خلاصه آنها از این قرار است . در زمان منوچهر پادشاه ایران افراسیاب ترك سپاه بایران کشیده و منوچهر بواسطه پیری شکست یافته و در ساری مازندران که در آن زمان پای تخت بود حصارى گردیده و سپاه ترك شهر مذکور را محاصره نمودند و پس از مدتی که قرار بر مصالحه شد و صلح بر آن قرار گرفت که سپاه ترك يك تیر پرتاب از اطراف ساری بطرف مشرق که ترکستان باشد عقب رفته و سرحد ایران و توران آنجا بوده باشد .

طرفین قرار فوق را قبول نموده و برای اجرای آن مقرر شد که شخصی بر فراز باره شهر ساری بر آمده و تیری بسمت مشرق پرتاب نماید ،

بنابراین آرش که یکی از سرداران سپاه ایران بود بر باره شهر ساری یا کوه دماوند بر آمده و تیری بطرف مشرق پرتاب نمود گویند تیر وی از ساری بمر و رفته و در کنار جیحون بر زمین آمد بنابراین قرارداد، سپاه ترك معاودت کرده سرحد ایران و توران رود جیحون گردید .

و گویند آرش صنعتی در تیر بکار برده بود که تیر او اینقدر دور رفته و آن اینست که پیکان تیر را مجوف نموده و از سیماب انباشته و آنرا در آتش گرم نموده بعد تیر را رها کرد و بدین واسطه تیر وی اینقدر سیر کرده است .

این اثر بعد از نقل تقریباً شبیه بشرح فوق نوشته است که این از قصص غریب و افسانه های عجیب ایرانست .

ولی بعقیده بنده نگارنده چنانکه در رساله تیراندازی موسوم به (تیر و کمان) هم مندرج است يك تیر پرتاب مقیاس واحدی بوده که در نزد خود قرار داده بودند که در چند هزار مثلاً ضرب نمایند نظر باینکه مقدار واحد اول که يك تیر پرتاب بوده از اندازه تیر های معمولی که تقریباً هفتصد الی هشتصد قدم میشود زیادتر

بوده لذا پس از ضرب آن در مورد قرارداد حاصل ضرب فاصله مابین ساری و مرو شده و چون نکته تاریخی بواسطه مرور زمان از بین رفته اینطور مشهور گردیده تیری از ساری بمرو رفته است .

نظیر این قضیه چنانست که نادرشاه افشار این عمل را نموده بدین طریق که چون طائفه‌ای را از ترکستان کوچانیده و در ایران سکنی داد امر کرد که در عوض املاک ضیاع و عقار آنها بهریک بفرخور تمکن آنها صد یا هزار چوب انداز زمین بدهند بدین ترتیب که شخصی در وسط زمینی ایستاد و چوب دستی خود را با قوت بچهار جهت پرتاب میکرده بعد آن مقدار چوب انداز را ضرب در صد یا هزار یا هر چه قرار شده بود نموده و باو داده می‌شد .

و دیگر از اعیاد بزرگ و جشنهای فارسیان عید نوروز است که مولا عبدالعلی بیرجندی در شرح بیست باب مولا مظفر گنابدی نوشته که گویند در این روز جمشید بر تخت نشسته و فارسیان اینروز را جشن گیرند که روز اول ماه فروردین است که فارسیان آنرا نوروز بزرگ گویند و در تقویم بنام نوروز عامه درج و ذکر مینمایند .

و نیز روز ششم فروردین (خرداد) را نیز جشن گیرند که نوروز کوچک گویند و در تقویم بنام نوروز خاصه درج مینمایند چنانکه در مسقط منوچهری در پیش ذکر شد . و دیگر از اعیاد و جشنهای بزرگ فارسیان جشن مهرگان است که بعد از نوروز بزرگترین اعیاد میباشد که آنرا در روز (مهر) که روز شانزدهم است در ماه مهر گیرند و آنرا مهرگان بزرگ یا چنانکه در موضوع نوروز ذکر شد مهرگان خاصه گویند و مهرگان کوچک که منوچهری در مسقط خود نام برده در روز بیست و یکم که (رام - ران) گویند نیز در مهرماه گیرند و در تقویم بنام مهرگان خاصه درج مینمایند .

مولا عبدالعلی بیرجندی در شرح بیست باب در موضوع این جشن چنین نوشته است که چون در اینروز فریدون برضحاك ظفر یافته و سلطنت او را برانداخته این



روز را فارسیان جشن گیرند و جشنی بس بزرگ است و بعد از اسلام در دوران سلطنت سامانیه و غزنویه و سلجوقیه نیز این جشن ها گرفته می شد و اهمیت بسیار بآن داده و شعرا اشعار زیادی در آن باب سروده اند چنانکه منوچهری گوید .

باز دگر باره مهر ماه در آمد      جشن فریدون آبتین بیر آمد  
عمر خوش دختران رزبسر آمد      کشتینانرا سیاستی دگر آمد

دهقان در بوستان همی بخرامد

تا ببرد جانشان بناخن و چنگال

و نیز در مسقط دیگر گوید :

شادمان باشید جشن مهرگان آمد      بانگ واوای و درای کاروان آمد  
کاروان مهرگان از خزران آمد      یا ز اقصای بلاد چینیان آمد

نه ازین آمد باله نه از آن آمد

که ز فردوس برین وز آسمان آمد

مهرگان آمد هان در بگشائیدش      اندر آرید و تواضع بنمائیدش  
از میان راه اندر بر بگشائیدش      بنشانید و بلب خورد بنمائیدش

خوب دارید و فراوان بستنایدش

هر زمان لختی خدمت بفرمائیدش

فارسیان غیر از اعیاد و جشنهای دوازده گانه جشنهای دیگری نیز دارند که معمول به آنها و در موقع هر کدام از آنها با آداب و رسوم خاص نسبت بآن جشن میگیرند چنانکه ذیلا از نظر خوانندگان محترم میگردد .  
ناتمام

عذر در شریعت بزبان است و در حقیقت بدل و جان . آن نکوتر

که زشت بگذاریم و نغز گیریم و پوست بگذاریم و مغز گیریم .

خواجه عبدالله انصاری